

# املاي تشخيصي پايه سوم ابتدائي

(درس به درس)



## فهرست مطالب



۳	تعریف املائی تشخیصی
۴	درس اول
۵	درس دوم
۶	درس سوم
۷	درس چهارم
۸	درس پنجم
۹	درس ششم
۱۰	درس هفتم
۱۱	درس هشتم
۱۲	درس نهم
۱۳	درس دهم
۱۴	درس یازدهم
۱۵	درس دوازدهم
۱۶	درس چهاردهم
۱۷	درس پانزدهم
۱۸	درس شانزدهم
۱۹	درس هفدهم



## املاي تشخيصي چيست؟

يك آزمون تشخيصي در حيطه ي املا مي تواند اطلاعاتي از اين

قبيل در اختيار پژوهشگر قرار دهد :

هجي شفاهي كلمات ، تلفظ كلمه ، شناخت حروف كلمه ، املاي هجا وپيش

تر ، وارونه نويسي يا تغيير شكل حروف ، روش برخورد با كلمه و تجزيه

وتحليل آن تمميز شنودي و يك سنجش از كارآمدي بينايي ، عضلاني يا

تمامي زمينه هاي مربوط به املا .

بعضي از كودكان قادر نيستند اولين حرف واژه ي املايي را بخوانند برخي ديگر نمي دانند براي نوشتن واژه

ها چگونه بايد آواها را به هم متصل كرد وبه تحليل ساختاري آن پرداخت عده ي ديگري هم از تجسم ذهني

شكل كلمه عاجزند .

بعضي از كودكان از نظر توانايي حركتي ضعيف اند ونمي توانند واژه را بنويسند . براي نوشتن صحيح واژه فرد

بايد هم ان را در حافظه اش ذخيره كرده باشد وهم بتواند ان را به طور كامل بدون استفاده از نشانه هاي

ديداري از حافظه اش باز يابي كند.

كساني كه در املا ضعيف اند نمي توانند حروف وترتيب واژه ها را به خاطر بياورند يا تجسم كنند يا از فعاليت

هايي براي كمك به تحكيم وتقويت حافظه ي ديداري براي نوشتن واژه ها سود جويند .

بعضي از نظر حافظه شنيداري وبرخي ديگر داراي مشكلاتي در زمينه حركتي هستند.

يكي از آزمون هايي كه براي تشخيص توان املايي كودكان مطرح گرديده از آن واتسون است كه براي استفاده

در كلاس توصيه شده است . اين آزمون را مي توان براي تشخيص انفرادي نيز مطابقت داد.



درس اول - محله ما

عادت - بازارچه - قنادی - ثبت نام - خانواده اش - گنبد - محله - مواد غذایی - صف - دقت -  
گلدسته - دکان

تابستان بود. امید با ..... تازه به این ..... آمده بود. او در کلاس سوم، .....  
کرده بود و هنوز به محله جدید ..... نکرده بود. امید همراه پدرش، از خانه خارج شد.  
او با ..... به اطراف نگاه می کرد. بوی نان تازه می آمد. چند نفری در .....  
نانوایی ایستاده بودند. امید و پدرش کمی جلوتر به ..... رسیدند. بازارچه تعداد  
زیادی مغازه و ..... کوچک و بزرگ داشت. چندتایی از آن ها ..... داشتند. امید  
از مقابل ..... گذشت و به شیرینی هایی که چیده شده بود نگاه می کرد. در یک  
سوی میدان، مسجد بزرگی دیده می شد. ..... فیروزه ای و ..... بلند آن  
عظمتی داشت.

عملکرد	نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	توضیحات
باز خورد معلم					



## درس دوم - زنگ ورزش

ماهرانه - آغاز - علاقه - پیوسته - آموزش - مدتی - بچه ها - فوتبال - پیشرفت - جنب و جوش - پاییزی - حرفه ای - محل - موضوع - طرف - سلامتی - از - اصلی - نظم - تعطیلی

آن روز هوا بارانی بود. باران ..... که از شب گذشته ..... شده بود. معلم ورزش به کلاس آمد و گفت:  
 ..... امروز زمین برای نرمش و ورزش مناسب نیست، بنابراین در کلاس می مانیم و دوباره ی چند  
 ..... مهم ، گفت و گو می کنیم. دلم می خواهد همه با ..... در بحث امروز شرکت کنید. سپس در  
 ادامه گفت: بچه ها می دانید که ورزش برای ..... مفید است. اگر ورزشی را با ..... و ترتیب و .....  
 انجام دهیم، می توانیم به خوبی در آن رشته ..... کنیم برای ورزش کردن به صورت  
 ..... اول رشته ی ورزشی مورد علاقه ی خود را انتخاب کنید. سپس در آن رشته ..... ببینید  
 و تمرین کنید.

آن روز بعد از ..... مدرسه همراه دوستم به خانه راه افتادیم. از او پرسیدم: راستی تو کدام رشته ی  
 ورزشی را بیشتر دوست داری؟ جواب داد تا به حال به این موضوع فکر نکرده ام. .... یا شاید هم  
 بسکتبال. فردای آن روز به استخر رفتیم. کفش ها و لباس هایمان را در ..... مخصوص گذاشتیم. دوش  
 گرفتیم و وارد سالن ..... شدیم. دوستم برای شنا رفت، اما من ..... به ..... بچه ها در استخر نگاه کردم.

عملکرد	نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	توضیحات
باز خورد معلم					



## درس سوم-زنگ ورزش

گزارشی - طبیعت - تقسیم - لانه ی - اطراف - آشغال و زباله - گویا - لذت بخش  
 -نشاط - اوّل - صورت - تشکر - چشمه ای - یادداشت - آلودگی - عادت -  
 صدای - تماشای - آماده - گذشت - بیماری - محیطی - دلپذیری - تمیز-غرق

آن روز در صبح ..... بهاری راه افتادیم. بعد از دو ساعت به دامنه ی کوه رسیدیم. تماشای قلّه چقدر .....  
 بود! آسمان آبی و هوای بسیار پاکیزه و ..... بود. بوی پونه های وحشی و صدای دل نشین ..... که در  
 دامنه ی کوه، روان بود، ما را ..... شادی و ..... کرد. آموزگار می گفت: به همه چیز خوب نگاه کنید، تا  
 زیبایی های ..... و آفریده های خدا را بهتر ببینید.

معلم دانش آموزان را به چند گروه ..... کرد. او از آن ها خواست خوب به ..... نگاه کنند و هرچه را می بینند  
 و می شنوند ..... کنند و با هم فکری یکدیگر به ..... گروهی ..... بنویسند. چند روز بعد دانش آموزان  
 نوشته های خود را ..... کردند و به کلاس آوردند. معلم از سعید نماینده ی گروه ..... خواست تا گزارش  
 گروه را بخواند. سعید هم جلوی کلاس ایستاد و با ..... بلند چنین خواند. تمام حیوانات اطراف ..... خود را  
 تمیز می کنند تا در ..... سالم زندگی کنند. انسان هم ..... دارد محیط زندگی خود را ..... نگه دارد اما  
 بعضی از مردم، فقط خانه ی خود را تمیز می کنند و هرچه ..... دارند، در کوچه و خیابان و جوی آب می  
 ریزند این کار باعث ..... شهر و ..... دیگران می شود. و معلم از سعید ..... کرد و گفت نوشته  
 ی شما کوتاه، ..... و خوب بود. آن روز به ما خیلی خوش ..... .

توضیحات	خیلی خوب	خوب	قابل قبول	نیاز به تلاش	عملکرد
					باز خورد معلم

## درس چهارم - آواز گنجشک



زبان آور - نظم - آلودگی - دقت - منتظر - کاهش - موضوع - سخن - ترقه  
محلّه - آسیب - عادت - خستگی - علاقه - هفته سلامت - انواع

دانش آموزان با ..... و ترتیب به سمت کلاس ما حرکت کردند. بچه های کلاس سوم، منتظر مربی بهداشت بودند، چون قرار بود با راهنمایی یک روزنامه دیواری به مناسبت ..... آماده کنند.

در این ..... صدای سبزی فروشی ..... در کلاس پیچید و صدای خنده بچه ها بلند شد. زهرا نماینده ی گروه تلاش که به خواندن کتاب های علمی ..... داشت، گفت: به نظر من بهترین ..... روزنامه دیواری ..... است.

خانم مربی گفت: «اگر چه ممکن است شما به سروصدا ..... کرده باشید، اما آلودگی صوتی باعث ..... می شود و ..... شما را برای درس خواندن و گوش دادن به ..... دیگران کم می کند. حالا در مورد ..... آلودگی صوتی فکر کنید. بعد از در گروه ما آن ها را نام ببرید. نرگس گفت: صدای گوش خراش ..... و فشفشه ها را فراموش کردی؟

خانم مربی از بچه ها تشکر کرد و گفت: چون این صداهای ..... شنوایی کودکان را ..... می دهند و به سلامت آنان ..... می رسانند، موضوع را برای روزنامه دیواری انتخاب می کنیم.

عملکرد	نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	توضیحات
باز خورد معلم					



## درس پنجم - بلدرچین و بزرگر

کشتزاری - بزرگر - همسایه - دلیلش - متعجب - درو - نترس - خطری - خویشان -  
 صحرا - تصمیم - ماند - لانه ی - گفتند - غذا - نترسید - بخواهد - ماندن - صاحب -  
 نیامدند - دهقان - انتظار - داس ها - فهمیدیم - بیایند - خواهش

دو بلدرچین با جوجه های خود در ..... زندگی می کردند، روز ها به دنبال ..... به ..... می رفتند و شب ها به ..... خود ما بر می گشتند. شبی جوجه ها به پدر و مادر خود گفتند: امروز ..... کشتزار، پسرش را نزد ..... فرستاد تا از آن ها که فردا برای ..... او به کمک آن ها جوجه با نگرانی گفت: اگر فردا این کشتزار را ..... کند چه کنیم اما در جوجه ها گفت: ..... فردا کسی بی درد نخواهد آمد و ..... ما خراب نخواهد شد ..... جوجه ها گفتند: هر روز هر چه ..... و سیرش به ..... نشستند، کسی نیامد. بزرگر، پسر را نزد ..... خود فرستاد تا ..... کند که فردا به کمک آن ها بیایند و با هم ..... را درو کند. پدر جوجه ها گفت: ..... فردا هم کسی نخواهد آمد و آشیانه ی ما برجا خواهد ..... شب سوم جوجه ها گفتند: ..... بزرگر هم. برای کمک به او ..... کشتزار را درو کنیم. پدر و مادر جوجه ها به هم نگاه پراکند و ..... دیگر جای ماندن نیست فردا لانه ی ما خراب می شود. باید هر چه زودتر به فکر و ..... دیگری باشیم. جوجه ها ..... می کردند و از آنها ..... را پرسیدند. مادر گفت تا وقتی که ..... به امید دیگران نشسته بود برای ما ..... نبود و ما هم نگران نبودیم اما وقتی شنیدیم او ..... گرفته است خودش کار را انجام دهد ..... که اینجا دیگر جای ..... ما نیست.

عملکرد	نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	توضیحات
باز خورد معلم					





## درس ششم- درس فداکاران

- عده ای - حتمی - هم نوعان - موفقیت - پیشروس - پرتاب - دودکش - جاودانه -
- زنجیرهای - مزرعه - ثبت نام - متوجه - درس خوان - مسافران - خطر - جلوگیری -
- شعله های - ذهن - واقعه ی - اشتیاق - جان - شجاع - تحمیلی - گرفتار - اشغال -
- حرکت - آزار - نجات - فدا - اثر

همیشه انسان های بزرگ و فداکاری هستند که برای نجات ..... دیگران یا کمک به ..... جان خود را به ..... می اندازند به همین سبب نام و یاد این افراد فداکار در ..... مردم ..... می ماند. سهام خیام دختری ..... و با هوش بود. دوره ی دبستان را با ..... به پایان رساند و با ..... در کلاس اول راهنمایی ..... کرد ولی به علت آغاز جنگ ..... و ..... شهر نتوانست به مدرسه برود. او با ..... سنگ دشمن را ..... می داد. سرانجام در پانزدهم مهرماه ۱۳۵۱ رگبار گلوله ای اشغالگران سهام را به آغوش خدا رساند. محمد حسین فهمیده نارنجک را به کمر بست و در زیر ..... تانک دشمن جان خود را ..... کرد، تا از ..... آنان به سوی خاک ایران ..... کند.

و در غروب یک سرد پاییزی، وقتی ریزعلی خواجهی از ..... به خانه برمی گشت ..... شد که بر ..... ریش .کوه مسیر ..... قطار بسته شده است راننده قطار با دیدن آتش، قطار را نگه داشت و این ..... قطار را از مرگ ..... نجات یافت. حسین امیدزاده، معلم فداکاری بود که در یک ..... آتش سوزی جان دانش آموزان را ..... داد وقتی بخاری کلاس آتش گرفت و ..... آن اقشار دانش آموزان در میان ..... آتش و دود ..... شدند. این معلم ..... و فداکار جان خود را به خطر انداخت و ..... از دانش آموزان را نجات داد.

عملکرد	نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	توضیحات
باز خورد معلم					



## درس هفتم - کار نیک

کاشتن - تعجب - تصمیم - معلوم - دقت - طول - فرمانروایی - خسته -  
مختلف - مدتی

در زمان های دور ..... زندگی می کرد که خیلی دوست داشت از حال همه ی مردم با خبر باشد، برای همین یک روز ..... گرفت به شهر های ..... برود و زندگی مردم را از نزدیک ببیند.

از دور پیرمردی را دید. در حال ..... گردو است. پیرمرد با ..... گودالی در زمین می کند. فرمانروا ..... آنجا ایستاد و کار کردن پیرمرد را نگاه کرد.

سپس با ..... از او پرسید: از این همه کار ..... نمی شوی؟ چند سال ..... می کشد تا درخت گردو بزرگ شود و میوه بدهد و آن وقت هم که ..... نیست و زنده باشی!

عملکرد	نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	توضیحات
باز خورد معلم					

## درس هشتم - پیراهن بهشتی



نخست - نیازمندان - لطیفی - حضرت علی (ع) - خوش حال - رسول  
خدا - جبرئیل - پیراهن - فقیرم - دعا - عروسی اش - سعادت‌مند - سبز  
بهشتی - پارچه‌ی - لحظه

حضرت فاطمه (س) ..... ساده ای داشت که حضر محمد (ص) به ایشان داده بودند. آن پیراهن  
..... نرم و ..... داشت. در این ..... صدای در به گوش رسید. کسی با صدای ..... گفت:  
من زن ..... هستم که لباسی بر تن ندارم. دل حضرت فاطمه (س) به درد آمد. نگاهش ..... به  
پیراهن نو و بعد به پیراهن ساده ای که پوشیده بود افتاد. فکر کرد که کدام یک را بدهد.  
پیراهن نو برای ..... بود. یاد کلام خدا در قرآن افتاد که می فرماید: هرگز ..... نخواهید  
شد، مگر چیزی را که دوست دارید به ..... ببخشید. وقتی که حضرت فاطمه (س) پیراهن نو  
را به زن داد چشم های زن فقیر برق زد.

عملکرد	نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	توضیحات
باز خورد معلم					



## درس نهم - بوی نرگس

دل نشین - خوش بوترین - رنگارنگ - برشته - سفالی - بی انتهاست -  
عطرها - غایب - دور دست - نغمه های - جویبار - حس

باران بر بام های ..... می بارد. پرنده آوازی ..... می خواند. بهترین سروده ها و .....  
طبیعت اطرافم را پر کرده است. سرود آبشار، موسیقی .....  
دریای آبی .....

پر های پرندگان ..... است، کوه بلند و ..... است.

هر کجا که می روم بوی بهترین ..... را ..... میکنم.

بوی یاس، بوی نان ..... بوی زعفران.

ای بهترین صدا، ای زیبا ترین دیدنی، ای ..... ، ای عزیزترین ..... بیا.

عملکرد	نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	توضیحات
باز خورد معلم					

«موفق باشی عزیز دلم»

طراح: علی عطائی ملاطی

سایت مام پلاس: www.mamplus.com

درس دهم = یار مهربان



شکایت - مُشتی - ناراحت - مثلاً - مراقب - لذت - پرت - بعضی -  
نزد - حقیقت - اغلب - ضربان - آغوش - نغمه - لحظه ای - تپش -  
آزرده - بچه های - گذشته

اکنون که چند ماهی از دوستی ما ..... است. شما را بهتر شناخته ام. می دانم که ..... شما، مرا خیلی دوست دارید، چون از همان روز اول، لباس نو و زیبایی بر تن من کرده اید و خیلی ..... هستید تا درباد وباران نمانم. راستش بهترین وقت برای من آن ..... است که مرا در ..... می گیرید و به قلبتان نزدیک می کنید. در چنان لحظه ای است که گرمای وجود شما را حس میکنم. .... قلب شما، ..... زیبا و قشنگی دارد، من با شنیدن ..... قلب کوچولو و مهربان شما، از حالتان با خبر می شوم.

می دانم که گاهی بعضی از شما از دست من، خسته و ..... می شوید و ..... پدر و مادران از من ..... می کنید؛ اما ..... این است که من و شما با هم دوست هستیم. من هرگز نمی خواهم شما را ..... کنم؛ ولی ..... وقت ها شما کارهایی می کنید که من دوست ندارم. .... یک روز یکی از ..... همین کلاس، نمیدانم از چه ناراحت بود که ..... بر من کوبید و مرا به گوشه ای ..... کرد.

عملکرد	نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	توضیحات
بازخورد معلم					



## درس یازدهم = نویسنده بزرگ

پشته - - - - - حتماً - صحرا - همت تر - سماط - سی و پنج - آثار - آرامگاه -  
کشور - سعدی - خاطراتش - منت - بوستان - حکایتی - حاتم طایی - امرای  
- خارکنی - احادیث

..... را گفتند: «از خود بزرگ ..... در جهان دیده ای یا شنیده ای؟»

گفت: «بلی؛ یک روز چهل شتر، قربانی کرده بودم ..... عرب را؛ و خود به گوشه ی ..... به حاجتی بیرون رفتم، ..... را دیدم، ..... فراهم نهاده. گفتیم: «به مهمانی حاتم چرا نروی؛ که خلقی بر ..... او گردآمده اند.» گفت: «هر که نان از عمل خویش خورد ..... حاتم طایی نبرد»

..... که خواندید، از کتاب «گلستان» ..... است. سعدی اهل شیراز بود. او دوران کودکی و نوجوانی را در شیراز گذراند؛ اما پس از آن به سفر رفت تا چیزهای بیشتری یاد بگیرد. سرانجام پس از ..... سال سفر، به شیراز برگشت و از ..... حکایت ها و شعر ها نوشت. حاصل آن دو کتاب با ارزش «گلستان» و «.....» است سعدی با قرآن و ..... نیز آشنایی کامل داشت. مردم ..... ما، از گذشته تا کنون، با ..... سعدی آشنا هستند و در سخن گفتن، از جمله های بسیار زیبای او استفاده می کنند. اگر روزی به شیراز رفتی، ..... به دیدن ..... این نویسنده و شاعر بزرگ، برو.

عملکرد	نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	توضیحات
بازخورد معلم					

«موفق باشی عزیزدلم»

طراح: علی عطائی ملاطی

## درس دوازدهم = ایران عزیز

خطر - خیام - گسترد - نعمت هاش - طمع - خزر - زرخیز - خلیجی - فرهنگ -  
 پرورد - حفظت - حریص - - برازنده تر - دل انگیزش - باقی - رونق - پرورد -  
 نعمت



آه ایران عزیز!

سرزمین.....!

تو چه زیبا هستی!

چه فریبا هستی!

سرزمین که به .....جهان خدمت کرد

به هنر.....داد

علم و دانش.....

مولوی، سعدی، حافظ.....

زاد فردوسی را

زاد و ..... به دامن.....

زاد بیرونی را، بوعلی سینا را.

هست .....، بسیار

توی دریای.....

یا که در آب خلیج، که بُود نام.....فارس

نام زیبای مقدس، که ..... از هر نامی است

تا جهان ..... دریا و ..... باقیست.

که همه چشم .....دوخته اند به همه .....

با دهان های .....

نهراسیم برای .....

ز ..... یا مشکل

عملکرد	نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	توضیحات
باز خورد معلم					



## درس چهاردهم = ایران آباد

دلاورانه - دفاع - موضوع - بحث - مرزنشینان - زبان ملی - رزمندگانی - دفاع  
مقدس - خلبان - نگهبان - گنجینه ای - محلی - میهن - نمایندگی - مشورت -  
گروه های - دقیقه ای - رسم - با اهمیت - شهیدان - نماینده ی

آن روز روز، ..... درس ما «میهن» بود. .... کلاس ما این بود که هر یک از ..... دانش آموزان، ابتدا چند ..... درباره ی موضوع درس با هم ..... و گفت و گو می کردند. بعد یک نفر به ..... از طرف گروه، سخن می گفت. این بار هم به شکل گروهی به هم فکری و ..... درباره ی «میهن» پرداختیم. .... گروه «جغرافیا» گفت: «به نظر ما، همه ی کسانی که در مناطق مرزی ..... زندگی میکنند؛ ..... اصلی وطن هستند. ما ..... را که انسان هایی پر تلاش هستند، خیلی دوست داریم.»  
نماینده ی گروه «زبان» گفت: «برخی از ما در مناطق مختلف کشور، به زبان مادری و ..... خود حرف می زنیم؛ زبان های محلی، ..... با ارزش هستند ولی زبان فارسی، ..... ایرانیان است و برای حفظ میهن، بسیار ..... است.»  
یکی از بچه های گروه «لاله» گفت: «ما میخواهیم درباره ی ..... صحبت کنیم که در طول هشت سال ..... ، شجاعانه جنگیدند و از وطن ..... کردند. شاید شما هم مانند من، دوست دارید در آینده ..... شوید. بهتر است بدانید: خلبانانی مانند ..... عباس بابایی، مصطفی اردستانی، علی اکبر شیروودی، احمد کشوری و عباس دوران، ..... پرواز کردند و میهن را حفظ کردند.»

عملکرد	نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	توضیحات
باز خورد معلم					





## درس پانزدهم = ایران آباد

افق - صورت - چشم - موج - مهربان - دل گشا - ماهی - پهناور - سرد - می  
خیزد - خورشید - غوطه

هرکجا ..... می‌رود ، آب است  
از افق تا ..... ، همه دریاست  
آب، آینه ای است .....  
..... آسمان، در آن پیداست  
خنده ی گرم و روشن .....  
برتن ..... آب میریزد  
..... از پشت موج می آید  
موج در پیش موج .....  
میشوم شاد و میزنم .....  
مثل ..... ، میان آب زلال  
آسمان ..... و دریا رام  
زندگی ..... و من خوشحال

توضیحات	خیلی خوب	خوب	قابل قبول	نیاز به تلاش	عملکرد
					بازخورد معلم

«موفق باشی عزیزدلم»



## درس شانزدهم = اگر جنگل نباشد

- زوزه ی - میوزند - حفظ - روزگاری - مراقب - پهناور - غرّش - میمون های  
- آب تنی - سکوت - کمین - کرگدن ها - حاشیه ی - تفریح - صندلی -  
قایق - مواظبت - می شوید - داستان هایی

جنگل ..... و زیباست. صدای آرام ..... در همه جای جنگل، شنیده میشود. گاه نیز ..... و .....  
جانوران، ..... جنگل را می شکنند. در این جنگل چه می گذرد؟ نمی دانیم. شاید پلنگی بر شاخه درختی،  
بر ..... نشسته باشد. شاید ..... بازیگوش، بر شاخه ها مشغول بازی باشند.  
شاید فیل ها و ..... مشغول ..... در رودخانه ای باشند که از جنگل میگذرد. شاید هم در .....  
جنگل، خانواده هایی سرگرم ..... و استراحت باشند. اگر جنگل نبود؛ چه میشد؟ شاید بگویید معلوم  
است؛ دیگر میز و ..... ، تختخواب و کمد، در و پنجره، کاغذ، خانه های جنگلی، ..... و کشتی و هزاران  
وسیله ی چوبی دیگر نبود. اگر جنگل نباشد؛ باران خاک را ..... و از بین می برد. با های تندی که .....  
ممکن است همه چیز را ..... کنند. باید جنگل ها را ..... کنیم و ..... باشیم که درختان از بین نروند.  
اگر از جنگل ..... نکنیم، شاید در آینده نتوانیم ..... بخوانیم که چنین آغاز می شوند: یکی بود یکی  
نبود. غیر از خدا هیچ کس نبود. روزی ..... در یک جنگل زیبا و دور...

عملکرد	نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	توضیحات
بازخورد معلم					

۳ «موفق باشی عزیز دلم»



## درس هفدهم - چشم های آسمان

کوچولویی - پشت بام - وصل - آراسته اند - لذت - لبه ی - خیالی -  
باشکوه - سراغ - خیره - میومیو - رخت خواب - صاف - غرق - نورافشانی -  
ستاره های - چرخش - نورانی - گسترده - فصل - اشتیاق

شب های تابستان، وقتی مادرم ..... من و برادرم را روی ..... پهن آسمان می کند؛ از تماشای آسمان پرستاره ..... می برم. معمولاً ..... است و ستاره ها با درخشش زیبایی، آن را آراسته اند .

گاهی به ستاره ها ..... می شوم و با ..... کردن آن ها به هم، شکل های جالبی می سازم. آن شب هم مثل همیشه ..... تماشای آسمان بودم که ناگهان ستاره های کوچک و ..... دستم را گرفت و روی خود نشاند و برد. از ستاره ..... خورشید را گرفتم. پرسیدم آیا خوابیده ؟

خورشید ..... است که زمین، سالی یکبار، دور آن می چرخد. چهار ..... زیبا که هدیه ی خداوند مهربان است. نتیجه ی این ..... عظیم و ..... است. حال عجیبی داشتم. آسمان چقدر ..... و وسیع بود .

..... و نشاط وجودم را فراگرفته اند بود. همچنان که غرق در سفر ..... بودم، ناگهان صدایی، من را به خود آورد. اول کمی ترسیدم؛ اما خوب که نگاه کردم، دیدم گربه ی زیبا و ..... بر ..... پشتیبان نشسته است و ..... می کند.

عملکرد	نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	توضیحات
باز خورد معلم					

# مام پلاس

کاملترین آموزشگاه

مادرانه و کودکانه